

# تفسیر قوانین

## قوة قضايه

در  
ایالات متحده آمریکا



از  
نشریه وزارت دادگستری آمریکا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ترجمه  
رضا دشت آرا انسانی  
و کیل دادگستری

قبل از بیان یکی از مهمترین وظایف قوة قضايه حکومت ممالک متحده آمریکا بجاست چند موضوع را در نظر داشته باشیم. قانون اساسی آمریکا اختیارات خاصی به قوة مقننه این کشور اعطا کرده و علاوه بر این، اختیار تصویب کلیه قوانینی را که ممکن است برای اعمال این اختیارات ضرور باشد، بکنگره واگذار نموده است. عمومیت و کلیت این اختیار ممکن است اشتباهات و لغزشهایی برای قوة مقننه در برداشته و سبب

وضع قوانینی گردد که با اصول قانون اساسی مغایرت داشته باشد، از این گذشته قوانین مصوب کنگره همیشه صراحت لازم را ندارد و چه بسا ممکن است هنگام اجرا، قوه مجریه معنا و مفهومی خلاف آنچه مورد نظر قانونگذار بوده، به آن بدهد که نتیجه اجرای چنین قوانینی بحقوق و آزادیهای مردم لطمه وارد کند.

حکومت مخلوق قانون اساسی آمریکا با تأسیس دادگاههای فدرال<sup>(۱)</sup> از حقوق آزادیهای مردم حمایت می کند. قانون اساسی آمریکا چنین مقرر داشته:

« قوه قضاییه ایالات متحده آمریکا تشکیل می گردد از یک دیوانعالی<sup>(۲)</sup> و دادگاههای پایین به ترتیبی که کنگره ممکن است به بمقتضیات زمان تدریجاً بتأسیس آنها مبادرت ورزد.»

جلسات دیوانعالی ایالات متحده در ساختمان دیوانعالی واقع در واشینگتن پایتخت آمریکا تشکیل می شود. این ساختمانی است باشکوه از مرمر سفید که پیکرهای بالای سردر ورودی آن عقاید ملی مردم آمریکا را مجسم می کند و بالای ستونهای رفیع آن عبارت «عدالت مساوی تحت لوای قانون»<sup>(۳)</sup> تجلی خاص دارد. جلسات دیوانعالی که مرکب است از یک رئیس<sup>(۴)</sup> و هشت عضو مستشار<sup>(۵)</sup> معمولاً از ماه اکتبر تا ژوئن هر سال تشکیل می شود.

یکی از مهمترین وظایف قضات دیوانعالی رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت بقوانینی است که بتصویب کنگره رسیده، از این جهت که قوانین مزبور با اصول قانون اساسی آمریکا موافقت دارد یا خیر. قضات دیوانعالی با تفسیر و تعبیر قوانین مصوب کنگره و اصول قانون اساسی باین وظیفه خطیر عمل می کنند. بعبارت دیگر در موقع لزوم دیوانعالی باید اعلام دارد که مطابق اصول قانون اساسی

- 1) Federal Courts .
- 2) Supreme Court .
- 3) Equal Justice Under Law .
- 4) Chief Justice .
- 5) Associate Justice .

کنگره در تصویب قانون مورد بحث مجاز و مختار نبوده و قانون مصوب برخلاف اصول قانون اساسی<sup>(۱)</sup> است. بدیهی است چنین قانونی در آینده بوسیله رئیس جمهور و سایر اعضای قوه مجریه قابل اجرا نخواهد بود.

در سال ۱۸۰۳ اولین حکم دیوانعالی ایالات متحده این بود که دیوان مزبور قانوناً اختیار و صلاحیت دارد اعلام نماید قانونی که از تصویب کنگره گذشته، با قانون اساسی موافقت ندارد. این حکم در زمانی صادر شد که جان مارشال حقوقدان برجسته‌ای که در جنگ استقلال همراه جرج واشینگتن در راه استقلال آمریکا جنگیده بود، در رأس دیوانعالی این کشور قرار داشت. معهنا جان مارشال شخصاً عقیده داشت که بنیانگذاران کشور خواسته‌اند، حکومت متحده آمریکا با اندازه کافی دارای قدرت باشد که بتواند ملت را در جهت منافع عمومی مردم اداره کند. بنابراین جان مارشال قانون اساسی آمریکا را بطریق مورد تفسیر قرارداد که با حفظ حقوق و آزادیهای مردم، حکومت قدرت لازم را داشته باشد. در مورد این حقوقدان عالیمقام گفته‌اند که بقانون اساسی آمریکا روح و قدرت را توأمآ داده است.

ویلیام هاوارد تافت یکی دیگر از رؤسای برجسته دیوانعالی ایالات متحده گفته است، « اصولاً علت وجودی دادگاهها بالا بردن سطح خوشبختی و رفاه مردم است بوسیله اجرای دقیق و سریع عدالت.» این حقوقدان عقیده داشته، اساساً دادگاهها باین منظور تأسیس گردیده که با افراد جستجو کننده عدالت کمک کند.

در مباحث آتی بررسی خواهد شد که در حکومت آمریکا، چگونه قوه قضاییه بمردم خدمت می‌کند و آزادیهای آنان را مورد حمایت قرار می‌دهد. دیوانعالی ممالک متحده بموجب اصل سوم قانون اساسی آمریکا که منحصراً از دیوان مزبور نام برده، تأسیس گردیده است و برابر همین اصل، قانون اساسی اختیار تأسیس دادگاههای دیگری را بکنگره آمریکا داده است و همچنین

1) Unconstitutional.

بکنگره مزبور اختیار داده بمقتضای نیاز عمومی تعداد این دادگاهها را افزایش داده و با از آن بکاهد. کنگره آمریکا تدریجاً با اعمال این اختیار دادگاههای فدرال پایین<sup>(۱)</sup> را که اکنون مشغول کارند، تأسیس نموده است. بنابراین قانون اساسی آمریکا با تأسیس دیوانعالی و اعطای اختیار تأسیس سایر دادگاههای فدرال بکنگره، قوه قضاییه ممالک متحده را بر اساس رسیدگی دعاوی اعم از کیفری و مدنی و صدور حکم نسبت به آن بوجود آورده است.

### قضات دادگاههای فدرال

در طی قرن هفدهم در کشور انگلستان يك قوه قضاییه مستقل و خارج از نظارت مقام بالا پیشنهاد شد. نویسندگان قانون اساسی آمریکا با وضع مقررات تعدیل یافته انتخاب قضات دیوانعالی و دادگاههای فدرال پایین<sup>(۱)</sup> اصل فوق را پذیرفتند.

بنیانگذاران ممالک متحده مقرر داشتند که رئیس جمهور با موافقت و تأیید مجلس سنا کلیه قضات فدرال را تعیین کند و يك قاضی فدرال بتواند بارفتار شایسته خود همواره در خدمت قضایی بماند. عزل قاضی فدرال از خدمت قضایی منحصر بر اساس اتهام و محکومیت بجنایت و جنحه مهم در اختیار و صلاحیت کنگره قرار دارد. بنابراین يك قاضی فدرال اصولاً مادام العمر بخدمت قضایی انتخاب می شود، مگر اینکه استعفا بدهد یا بازنشسته شود. علاوه بر این، قانون اساسی آمریکا مقرر می دارد، حقوق قاضی فدرال مادام که در خدمت قضایی است، هرگز کاهش نخواهد یافت. در نتیجه قضات آمریکایی کاملاً مستقل می باشند و هرگز تحت تأثیر قوای دیگر حکومت و یا شخص یا از افراد قرار نمی گیرند.

### صلاحیت دادگاههای فدرال

اصل سوم قانون اساسی آمریکا صلاحیت قضاوت را بر اساس کیفیت و نوع دعاوی بدادگاههای فدرال تفویض نموده است. بر اساس این صلاحیت، قضاوت

1) Lower Federal Courts.

دادگاهها ممکن است شامل قضایایی گردد که مستلزم تفسیر قانون اساسی باشد.  
صلاحیت دادگاههای فدرال شامل دعاوی زیر می باشد:

دعاوی ناشی از معاهدات بین ممالک متحد و سایر کشورها ،  
دعاوی مربوط به حمل و نقل در دریاها و آزاد ، دعاوی مربوط به قوانین  
مدنی فدرال ، دعاوی مربوط به نقض قوانین کیفری فدرال ، دعاوی  
مرتبط با رفاه داخلی و مهاجرت و موضوعات گمرکی ، دعاوی مرتبط  
با امور تجارتي بین ایالات مختلف .

همچنین با توجه به ظرفیتهای دعوی در امور زیر نیز بدادگاههای فدرال  
صلاحیت رسیدگی تفویض شده است :

دعاوی که يك طرف آن ایالات متحده آمریکا قرار دارد، دعاوی  
که طرفهای آن دو یا سه ایالت یا دو تبعه از ایالات مختلف باشند،  
دعاوی که يك طرف آن يك دولت خارجی و یا یکی از اتباع خارجه  
و از طرف دیگر یکی از ایالات باشد .

### دیوانعالی ممالک متحده

هنگام طرح موضوع در دیوانعالی ، هیئت عمومی قضات شامل رئیس دیوان  
و هشت عضو مستشار تشکیل جلسه می دهند و با کثرت آرا تصمیم می گیرند.  
اصولاً دیوانعالی يك دادگاه تجدیدنظر است؛ باین معنا که احکام صادره  
از دادگاههای پایین را مورد رسیدگی مجدد قرار می دهد؛ مع هذا قانون اساسی رسیدگی  
بدوی و ماهوی کلیه دعاوی مبتلا به دیپلماتهای خارجی مانند سفرا ، وزراء  
کنسولها را در صلاحیت ذاتی دیوانعالی قرار داده و چون این صلاحیت بموجب  
قانون اساسی تفویض شده ، قوه مقننه نمی تواند این اختیار را از قوه قضایه بگیرد.  
دیوانعالی اختیار و صلاحیت دارد اعلام نماید که قانون مصوب کنسره که  
بتأیید رئیس جمهور نیز رسیده ، با قانون اساسی مغایرت دارد . دیوانعالی ممالک  
متحده همچنین اختیار و صلاحیت دارد رأی بدهد که قانون اساسی یا عادی ایالتی  
با قانون اساسی فدرال مغایر است. آرای دیوانعالی که بالاترین دادگاه حکومت

فدرال می باشد، غیر قابل تجدید نظر، قطعی و لازم الاجراست.

دیوانعالی ممالک متحده یک سنت تاریخی مسک نفس از خود بجای گذارده، چه معمولاً نسبت باعلام مغایرت اعمال حکومت فدرال و یا حکومت ایالتی با قانون اساسی فدرال بسیار محتاط است. بنابراین اصولاً دیوانعالی کلیه قوانین جدید مصوب کنگره را از نظر مغایرت باقانون اساسی مورد بررسی و توجه قرار نمی دهد، بلکه از این نظر فقط قوانینی را مورد توجه و رسیدگی قرار می دهد که با قضیه مطروح در دیوانعالی مرتبط باشد.

### نظارت بر قدرت دیوانعالی

قانون اساسی ممالک متحده حق اعمال برخی نظارت بر قدرت دیوانعالی را به کنگره و رئیس جمهوری تفویض نموده است.

کلیه قضات دیوانعالی با تأیید مجلس سنا بوسیله شخص رئیس جمهور تعیین می شوند. رئیس جمهور همچنین حق اعطای بخشودگی و یا بتعویق انداختن مجازات اشخاصی که در دادگاههای فدرال به سبب ارتکاب جرایم محکوم شده اند، دارد. تعداد قضات دیوانعالی و حقوق آنان بوسیله کنگره تعیین می گردد و مجلس سنا در تصویب یا رد انتخاب قضاتی که بوسیله رئیس جمهور برگزیده می شوند، اختیار تام دارد. صرف نظر از جهات دیگر مقرر در قانون اساسی، کنگره اختیار کامل دارد تعیین نماید که قضایای مورد بحث بهتر است در دیوانعالی طرح گردد و یا در دادگاههای فدرال پایین. همچنین کنگره حق دارد تعیین کند که آرای صادر از دادگاههای فدرال پایین قابل تجدید نظر در دیوانعالی می باشد یا خیر. بدیهی است دیوانعالی نیز رأساً می تواند نسبت بقابل طرح و تجدید نظر بودن آرای دادگاههای پایین در دیوانعالی تصمیم بگیرد.

پس از برگزاری تشریفات آغاز کار جرج واشینگتن در مقام اولین رئیس جمهور ممالک متحده آمریکایی دیری نپایید که کنگره با استفاده از اختیار ناشی از قانون اساسی، قانون تشکیلات قضایی<sup>(۱)</sup> را در ۲۴ سپتامبر ۱۷۸۹ از

1) Judiciary Act.

تصویب گذراند . بر طبق این قانون دادگاههای پایین از سیزده دادگاه ناحیه (۱) و سه دادگاه استیناف (۲) تشکیل شد و بموازات پیشرفت و نیاز کشور تعداد این دادگاهها بوسیله کنگره تکثیر یافت . امروزه در هر ایالت حداقل يك دادگاه ناحیه و در ایالات وسیع تر دو یا بیشتر از این نوع دادگاهها تأسیس شده است .

دادگاههای استیناف ایالات متحده بطور کامل در سال ۱۸۹۱ تأسیس گردید و دیوانعالی از بسیاری دعاوی که استینافاً در آن دیوان مطرح بود و از دادگاههای ناحیه ارجاع شده بود ، فارغ گردید . در زمان حاضر ، ممالک متحده به یازده حوزه که هر حوزه دارای يك دادگاه استیناف است ، تقسیم گردیده . در هر دادگاه استیناف سه تا نه قاضی بانجام وظیفه اشتغال دارند و ضمناً یکی از قضات دیوانعالی نیز بعنوان قاضی حوزه استیناف برای هر حوزه قضایی برگزیده می شود .

پایین ترین دادگاههای فدرال ممالک متحده دادگاههای ناحیه است . باستثنای آنچه مطابق قانون در صلاحیت ذاتی دیوانعالی و یا دادگاههای اختصاصی قرار دارد ، دادگاههای فدرال ناحیه بکلیه دعاوی رسیدگی می کند . در این دادگاهها دعاوی معمولاً بوسیله يك قاضی منفرداً و در بعضی مواقع در معیت يك هیئت منصفه رسیدگی می شود . پژوهشخواهی از حکم دادگاه ناحیه بيك دادگاه استیناف که در حوزه قضایی دادگاه ناحیه که حکم راداده ، واقع است ، ارجاع می گردد . اصولاً احکامی که استینافاً صادر می شود ، قطعی است ، مگر بعضی احکام که ممکن است برای تجدید نظر بیشتر بدیوانعالی ارجاع گردد .

کنگره ممالک متحده ، همچنین ضرورت تشکیل دادگاههای اختصاصی را تدریجاً احساس کرد و در سال ۱۸۵۵ دادگاه دعاوی (۳) اشخاص بردولت را تأسیس نمود . در سال ۱۸۹۰ يك نوع دادگاه اختصاصی بنام هیئت ارزیابان عمومی

- 1) District Court .
- 2) Circuit Court of Appeals .
- 3) Court of Claims .

ممالك متحده (۱)، در سال ۱۹۰۹ دادگاه استیناف حقوق گمرکی و امتیازات ثبتی (۲) و در سال ۱۹۵۰ دادگاه استیناف نظامی (۳) تشکیل گردید. در سال ۱۹۲۶ عنوان هیئت ارزیابی عمومی ممالك متحده بدادگاه حقوق گمرکی (۴) تبدیل گردید. در گذشته شخصی که مدعی بود از دولت مطالباتی دارد، مجبور بود درخواست خود را بطرفیت دولت تقدیم کنگره نماید. پس از تأسیس دادگاه اختصاصی دعاوی اشخاص بر دولت، کنگره از تحمل بار رسیدگی این نوع دعاوی و صدور حکم ماهوی نسبت باینکه چنین مطالبه‌ای قابل پرداخت می‌باشد یا خیر، آسوده گردید. مقر دادگاه مزبور در واشینگتن و مرکب از یک رئیس و چهار قاضی مستشار می‌باشد. حکم این دادگاه در پرداخت محکوم به، مادام که از طرف کنگره تامين اعتبار نشده باشد، قابل اجرا نیست.

دعاوی ناشی از تصمیمات مأمورین گمرکی در مورد نوع کالاهای وارده، حقوق و تعرفه گمرکی در دادگاه حقوق گمرکی ایالات متحده طرح و مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. استیناف نسبت باحکام صادر در دادگاه استیناف حقوق گمرکی و امتیازات ثبتی طرح و رسیدگی می‌شود. و همچنین دادگاه مزبور استیناف از آرای مربوط بحقوق ثبتی اختراعات و علائم تجارتي را رسیدگی می‌کند. برای مثال مخترعی که تقاضای ثبت اختراعش از طرف اداره ثبت اختراعات و علائم تجارتي رد شده، می‌تواند درخواست پژوهشی خود را بدادگاه استیناف حقوق گمرکی و امتیازات ثبتی تقدیم دارد. *تال جامع علوم انسانی*

افسران نیروی ارتش که بسوء اداره متهم شده‌اند، ممکن است در دادگاه ارتش محاکمه شوند. آرای صادره از دادگاه ارتش نسبت بموضوعات مهمتر، ممکن است در دادگاه استیناف نظامی قابل پژوهشخواهی باشد.

- 1) The Board of United States Genral Appraisers.
- 2) The United States Court of Customs and Patent Appeals .
- 3) The United States Court of Military Appeals.
- 4) The United States Customs Court .



باستثنای احکام صادره از دادگاه استیناف نظامی که قطعی است، ممکن است احکام سایر دادگاههای اختصاصی برای تجدید نظر نهایی بدیوانعالی ارجاع گردد.

### دادگاههای فدرال و مردم آمریکا

احکام دادگاههای فدرال و سایر دادگاهها بمردم کمک می کند که اختلافات و دعاوی خود را منصفانه و صلحجویانه حل کنند و فصل خصومت نمایند. بنابراین دادگاهها عدالت را در میان مردم تأمین می کنند. ممکن است مردم قوانین موضوعه را همیشه دوست نداشته باشند، اما اطاعت از قوانین آنطور که دادگاهها تشریح و تفسیر می کنند، وظیفه آنهاست. وقتی که مردم قوانین را دوست نداشته باشند، نمایندگان آنان می توانند چنین قوانینی را تغییر بدهند. هر تغییری در قانون باید در کیفیتی که قبلاً بوسیله طرح حکومت در جهت نیاز عمومی مردم تهیه و تدارک شده است، انجام پذیرد.

این وظیفه دادگاههاست که بمردم اطمینان بدهند که کلیه قوانین باقانون اساسی ممالک متحده موافقت دارد. در نظام حکومت ایالات متحده آمریکا قوه قضائیه بمنزله چرخ موازنه ایست بین سایر قوا. در حقیقت، قوه قضائیه بر اساس قانون اساسی حافظ روابط صحیح بین قوای مقننه و مجریه و بین مردم و ایالات می باشد.

پیشگاه علم انان و ممالک است فریگی  
رتال جامع علوم انسانی